



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

طبع مجاہد قشون

خلیج فارس

مجموعه وقایع تاریخی و گذارش نظامی خلیج از قدیمترین ازمنه تا اوایل قرن بیستم

تألیف

نایب سرهنگ سر آرنولد ویلسون

LT.-COL. SIR' ARNOLD T. WILSON

ترجمه بقلم:

محمد سعیدی

چاپ اول

۱۳۱۰

مطبعه « فرهمند » طهران

۱۰۰۵۶

فهرست مندرجات

صفحه

عنوان

الف

۱۲۳۶

مقدمه

۱

۱ - انسان او لیه در خلیج فارس و عمان

۸

۲ - خلیج فارس در قدیمترین ازمنه تاریخی

۱۸

۳ - نویسندگان قدیم

۳۰

۴ - قرون وسطی

۵۰

۵ - قرون وسطی : عمان و بحرین

۶۲

۶ - صیرف - کیش - هرمنز

۷۶

۷ - ورود پرتغالیها

شماره ثبت ۹۴۱۹۰۴۸۵۶

۸ - رقابت انگلیسها و پرتغالیها

۱۱۰

۹ - اخراج پرتغالیها

۱۲۰

۱۰ - هلندیها

۱۴۰

۱۱ - قرن هیجدهم . توسعه نفوذ انگلیس

۱۶۱

۱۲ - دزدان دریائی

۱۸۲

۱۳ - تجارت برده

۱۹۸

۱۴ - توسعه امارت نشین های عرب

۲۱۹

۱۵ - خلیج فارس در سیاست بین المللی

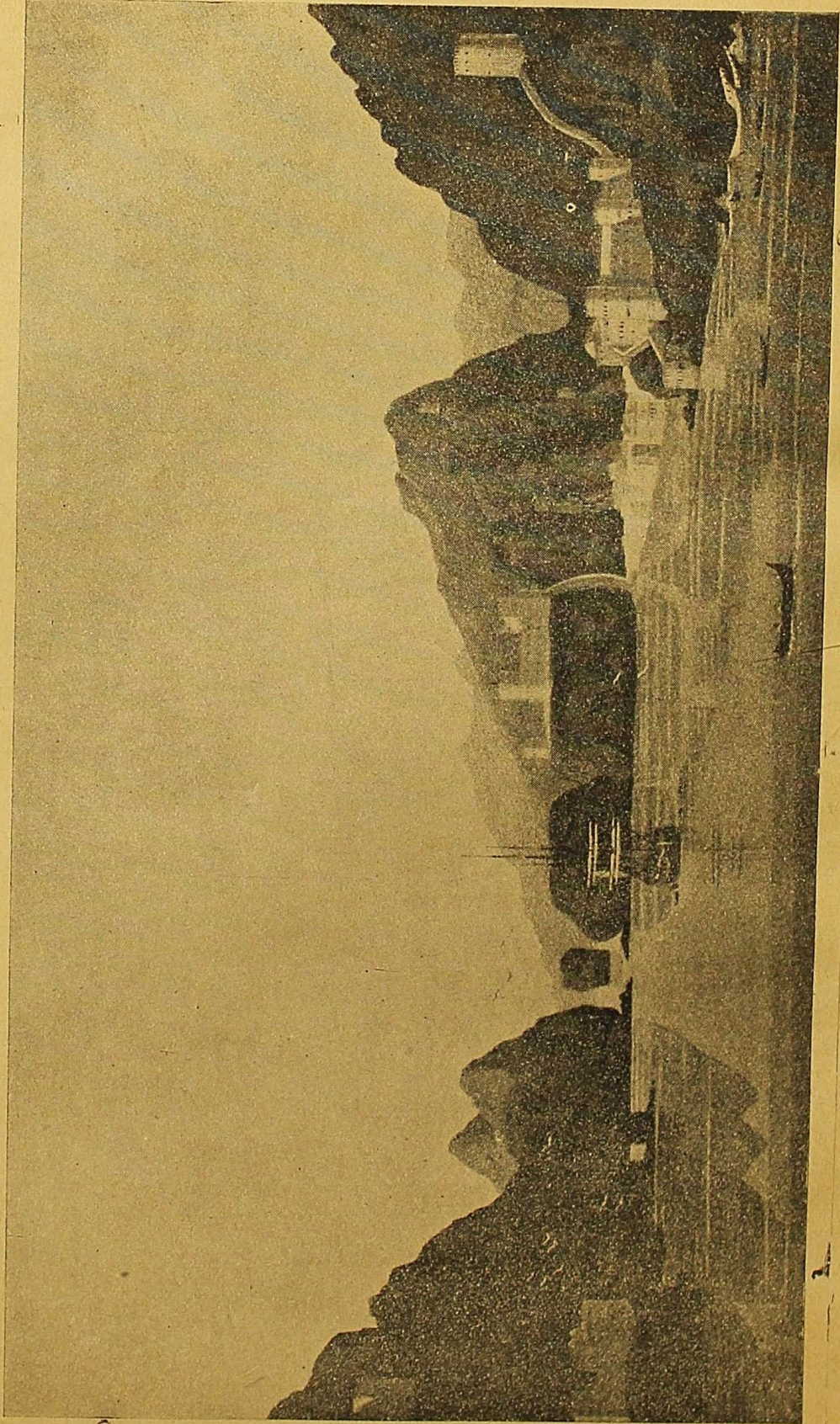


فهرست تصاویر

ابتدای کتاب

بندر مسقط در سال ۱۸۰۹

- I . آ . منظره رودخانه آبدیز در نزدیکی دزفول موقع عصر .
 ب . قبر دانیال پیغمبر در جنوب دزفول .
 پ . یکی از دامنه های کوه لنگه که آبدیز از آن میگذرد .
 ت . معبر رودخانه آبدیز در کوه لنگه با ارتفاع ۲۰۰۰ پا . در مقابل صفحه پ مقدمه .
- II . آ . صید صبح (مسقط) .
 ب . مسقط . طفل عرب در قایق موسوم به هوری .
 ق . مقابل صفحه ۴
- III . تل های مقابر در بحرین .
 IV . تنک بهاریق در مشرق بندرعباس .
 V . آ . آلبوکرک .
 ب . واسکو دگاما .
- VI . آ . شهر هرمز از روی یکی از تصاویر قدیمی .
 ب . یکی از کشتی های پرتغالی در قرن شانزدهم .
 VII . شاه عباس کبیر .
 VIII . انتونی شرلی .
 IX . آ . سفیر انگلیس در طهران (مستر موری) و اعضاء سفارتخانه .
 ب . گمبرون (بندرعباس) .
 پ . هرمز ، لارک و قشم .
- X . مسقط در سال ۱۶۷۰ .
 XI . بندرعباس (گمبرون) در سال ۱۶۷۰ .
 XII . آ . کشتی هلندی در هرمز در سال ۱۶۳۸ .
 ب . « باسیدو » در جزیره قشم .
- XIII . بقله در شط العرب .
 XIV . منظره بندرگاه مسقط .
 XV . خانواده سلطنتی مسقط .
 XVI . آ . فالگیر ایرانی .
 ب . یکی از اخوان نجد در کویت .
 پ . جوان عرب با قوش .
 ج . زن های عرب (سوار شتر) در کویت .
- XVII . محمره .
 XIX . رودخانه کارون .
- ۱۲ « «
 ۴۸ « «
 ۷۸ « «
 ۸۲ « «
 ۹۴ « «
 ۹۸ « «
 ۱۱۲ « «
 ۱۲۴ « «
 ۱۳۴ مقابل صفحه
 ۱۷۶ « «
 ۱۹۴ « «
 ۱۹۸ « «
 ۳۰۴ « «
 ۲۲۲ « «
 ۲۲۴ « «
 ۳۳۱ « «



بندر گاه مسقط در سنه ۱۸۰۹

مقدمه

هیچ دریای دیگری نیست که بیش از خلیج فارس توجه علمای معرفه الارض و متخصصین عتیقه شناس و مورخین و جغرافیا نویسان و سیاستمداران و جنگجویان را مشترکاً بخود معطوف ساخته باشد. سرگذشت حوادث خلیج بقدمترین ازمنه تاریخی میرسد و ذکر آن در تاریخ مکتوب بشری مقدم بر تمام دریا های دیگر آمده است. موقع مرکزی آن در یکی از مهمترین جاده های بین مشرق و مغرب از ابتدای شروع تاریخ اهمیت خاصی بدان داده است. درحینیکه هنوز آبهای دریای مدیترانه با حرکت کشتی ها شیار نشده بود حوادث معظمی در صحنه خلیج اتفاق میافتاد که در سیر تکاملی نژاد بشر اهمیت فوق العاده داشت. مکتوبات و مؤلفات کثیری که به ده زبان مختلف راجع باین دریاموجود است بخوبی گواهی میدهد که ملل اروپائی از زمانهای خیلی قدیم نسبت بآن علاقه مند بوده اند. سیاحان پرتغالی در قرن شانزدهم و کمپانیهای انگلیسی و فرانسوی و هلندی در قرون هفدهم و هجدهم سعی مینمودند که با زور و وسائل دیگر تجازات انحصاری خود را بر آبهای خلیج مسلط ساخته و سایر رقبا را از میدان بیرون کنند. با آنکه از حیث اهمیت ارتباطی بحرا حمر همیشه رقیب قوی پنجه خلیج فارس بوده است معذک در اوایل قرن نوزدهم فرستادگان ناپلئون در تعقیب سیاست جهانگیری خود جهد وافر نمودند که نفوذ خویش را بر آندریا مستولی سازند. از اواخر قرن گذشته تا ظهور جنگ بین المللی خلیج فارس یکی از مهمترین عوامل سیاسی دنیا بشمار می رفت زیرا در یکسمت آن تا سنه ۱۹۰۷ روسها چشم طمع بمملکت ایران دوخته و در انجا اقدامات میکردند و در سمت دیگر آن سودای استعمار طلبی آلمان و سیاست وطن پرستانه ترکیه جوان تمرکز یافته بود (۱).

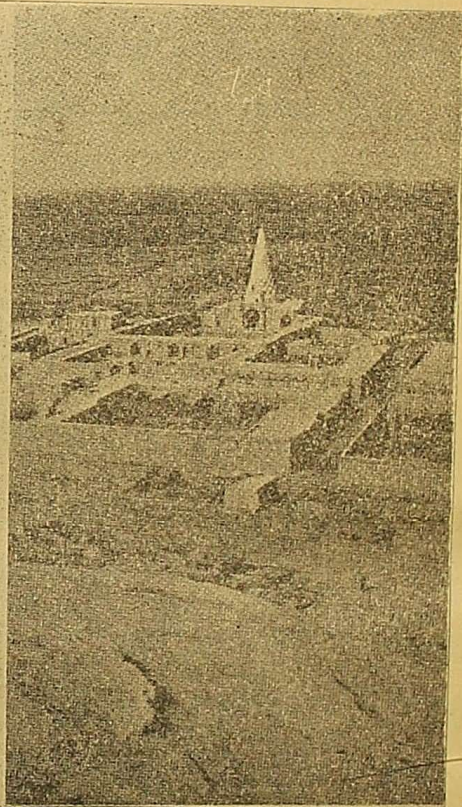
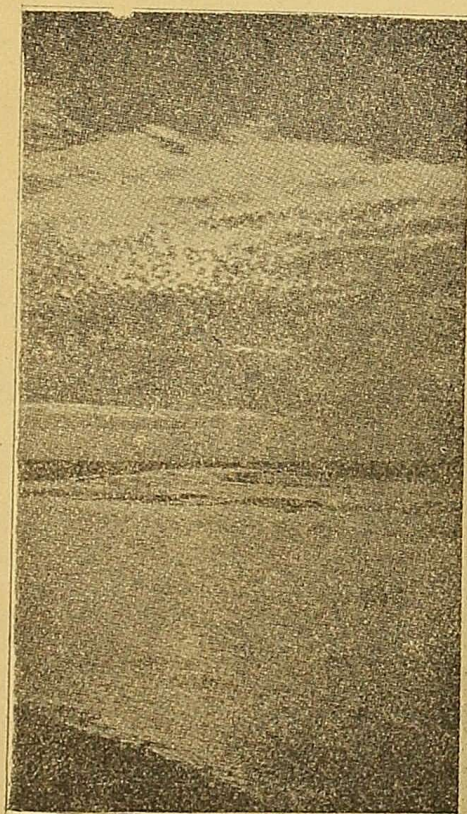
(۱) دولت انگلیس تا سال ۱۸۹۲ و حتی بعد از آن تاریخ سعی داشت که برای جلوگیری از پیشرفت روسیه بسمت جنوب دولت آلمان را در ایران و بین النهرین و خلیج فارس ذی علاقه سازد در سنه ۱۸۹۲ سفیر انگلیس مقیم برلن به بیزمارک اصرار کرد که کشتی های آلمانی را با آبهای خلیج فرستاده و تجارت مملکت خود را در آنصفحات دائر نماید ولی کلیه مساعی و جدیتهای دولت انگلیس در این زمینه بی نتیجه ماند.

گذشته از عوامل سیاسی و تاریخی موقع و محل خود خلیج نیز بر اهمیت آن افزوده است زیرا دریای مذکور بر سر راه کلیه خطوط بحری در مشرق عدن واقع است و آب های آن بسواحل عربستان و عراق و ایران میرسد و باینجهت از لحاظ سوق الجیشی حائز اهمیت فوق العاده میباشد. اهمیت موقع خلیج فارس از نقطه نظر دفاع و حفظ منافع هندوستان بخوبی از این نکته استنباط میشود که کلیه قونسولها و مأمورین سیاسی نواحی مختلف آن از طرف حکومت هندوستان تعیین میگردند و قسمتی از قوای بحری هند همیشه در آبهای آن ساخلو دارد.

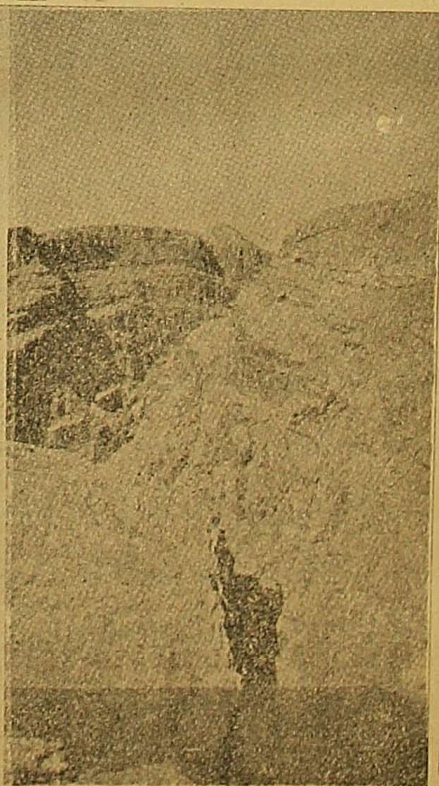
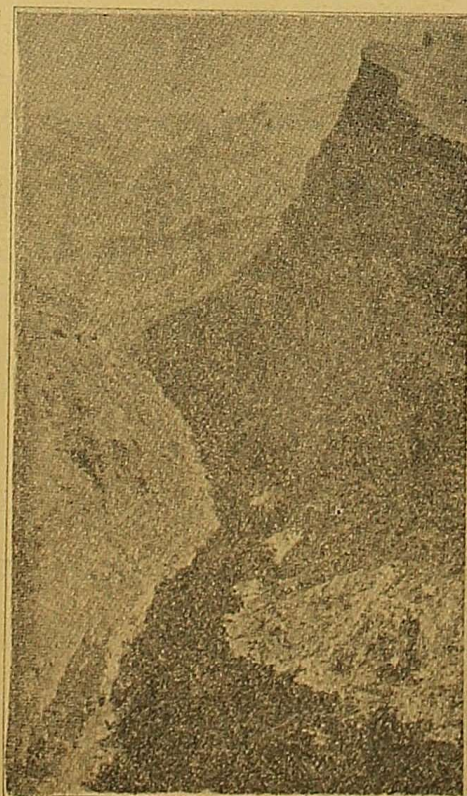
خلیج فارس و بحر احمر در حقیقت دو شعبه بزرگ از اقیانوس هندند که تقریباً بموازات یکدیگر تا قلب دنیای قدیم پیش رفته و هر دو از راه اقیانوس هند با اروپا متصل میشوند. مجموع مساحت خلیج فارس ۹۷۰۰۰ میل مربع است. طول آن از سواحل عمان تا رأس خلیج تقریباً پانصد میل و عرض آن بطور اختلاف از ۱۸۰ تا ۲۹۰ میل میباشد (نزدیک تنگه).

چهار رودخانه معظم یعنی دجله و فرات و کرخه و کارون که با کمک متفرعات خود آب برفهای جبال زاگرس و ارمنستان را اخذ میکنند متفقاً وارد خلیج فارس میشوند. انهار بزرگ دیگری که مستقلاً بخلیج میریزد رودخانه های جراحی و هندیان (یاتاب) است و از آنها گذشته سواحل خلیج عموماً فاقد آب شیرین میباشد و رودخانه های کوچک دیگری که در آنجاها یافت میشود همه شور و تلخ است.

دجله و فرات که از حوالی آرات سرچشمه میگیرند از رودخانه های خیلی پیر و قدیمی محسوب نمیشوند. علم طبقات الارض که دوربین تراز تاریخ است عصری را در نظر دارد که رودخانه های دجله و فرات و فلات مرتفعی که شطوط مذکور در آن جاری هستند وجود نداشته و بجای آنها اقیانوس وسیعی در سرتاسر اماکن مقدسه عراق و خاک ایران و قسمت اعظم عربستان مرکزی جاری بوده است. يك فشار تحت الارضی در عصر «میوسن» طبقات زمین را بالا آورده و فلات ایرانرا تشکیل داده است و مقارن همان اوقات نیز فشار دیگری نواحی جنوبی فلات را فرو برده و خلیج فارس را ایجاد نموده است.



ب. قبر مشهور دانیال پیغمبر در جنوب دزفول آ. منظره رودخانه آبدیز در نزدیکی دزفول موقع عصر



پ. یکی از دامنه‌های کوه لنگه که آبدیز از آن میگذرد ت. معبر رودخانه آبدیز در کوه لنگه بار تفاع ۲۰۰۰ پا

شط فراط سالیانه معادل ۱/۲۲ ملیون ودجله تقریباً ۲/۲ ملیون یارد مکعب
شن ولای از حوالی فلوجه و بغداد عبور میدهند. رودخانه های کارون و دیز و کرخه نیز
سالیانه معادل ۱/۵ ملیون یارد مکعب گل ولای با خود حمل میکنند لیکن از مجموع
این مقادیر بیش از یکعشر به « فاو » واقع در رأس خلیج نمیرسد.
شوری آب خلیج فارس نسبت بسایر دریاهای داخل خشکی کمتر است و مخصوصاً
آب آن در فصل تابستان شیرین تر از زمستان است زیرا اولاً رودخانه های معظم بین
النهرین مقادیر هنگفتی آب شیرین وارد آن میکنند و ثانیاً امواج خارجی اقیانوس بواسطه
تنگی مدخل خلیج که بشکل گلوی بطری است داخل آن نمیگردد.

هوای خلیج فارس رو بهمرفته چندان معتدل و سالم نیست ولی بیجهت هم بیدی
و ناسازگاری مطلق اشتهار یافته است. از ماه نوامبر تا اواخر آوریل هوای آن از حیث
سردی و خشکی شبیه به هوای مصر است و اروپائیکه زمستان کوتاه و بیدوام جلگه های
هند را برای تلافی گرمای مرطوب و زننده آنجا کافی نمیدانند در نواحی خلیج سلامت
زیست کرده وقوا و فعالیت خود را از دست نمیدهند. در هر نقطه که ادارات و مؤسسات
رسمی روشنائی برق و یخ وسایر وسائل زندگانی جدید را فراهم کرده اند مأمورین و
مستخدمین آنها در کمال رفاه و آسایش میباشند و در زمان جنگ که عده کثیری قشون
ببوشهر و بندر عباس فرستاده شده بود کلیه نفرات از حیث سلامت و صحت مزاج مثل
سایر افراد قشونی بودند که در نقاط مختلف هندوستان توقف داشتند.

کمپانی نفت جنوب که تقریباً هفتصد نفر اروپائی در استخدام خود دارد و اغلب
انهارا در سرچاههای نفت آبادان و نقاط دیگر مابین خانقین و بوشهر بکار گماشته است
خانه های خوب و وسائل زندگانی راحت برای مأمورین خود تهیه نموده و باینجهت
کارگران آن عموماً از حیث سلامت مزاج و استعداد کار کردن بمراتب از کارگرانی
که در هندوستان بهمین نوع کارها اشتغال دارند بهترند. اداره بحریه انگلیس نیز متوجه
اهمیت اینموضوع گردیده و با آنکه جهازات جنگی مأمور خلیج اصولاً برای مناطق
حارّه ساخته نشده اند معذک بوسیله تدارک یخ و بادزنهای برقی و اغذیه تازه مخصوصاً
میوه توانسته است عملیات اروپائی جهازات مزبور را در خلیج فارس مانند مدیترانه
صحیح المزاج و سالم نگاهدارد.

در نواحی ساحلی عربستان عموماً اعراب خالص نژاد اقامت دارند لیکن در بسیاری از شهرها عناصر خارجی زیاد یافت میشود. اعراب عمان بطوریکه مشهور است از دو قبیله مختلف میباشند: یکی یمنی ها که نخستین ساکنین این نواحی بوده اند و دیگری نظیری ها که عرب خالص نبوده و بعدها باین سرزمین هجرت کرده اند. قسمت اعظم جمعیت بحرین و واحه های حسا و قطیف را اخلاف عشیره «بحارینه» تشکیل میدهند که اصل و منشاء حقیقی آنها معلوم نیست. عشایر چادر نشین عربستان عموماً اعراب خالص هستند. گذشته از این قبایل در نقاط مختلف عربستان طوایفی هم از عناصر بلوچی و ایرانی و هندی و سیاه افریقائی یافت میشود و نژاد اخیر در نتیجه تجارت متمادی برده در آنجا پیدا شده است. در رأس خلیج قسمت اعظم از ساکنین بومی عربند ولی در سواحل ایران از شط العرب تا تنگه هرمز قبایل مختلفی از نژادهای متفاوت اقامت دارند که مهمترین آنها خود ایرانیها و اعرابی هستند که سالیان متمادی در آن سرزمین اقامت نموده و با ایرانیها اختلاط و امتزاج کرده اند. علاوه بر این دو نژاد در سمت شمال قبایل لر و در جنوب یعنی در نزدیکی بهبهان دستجاتی هم از طوایف ترکمن (قشقائی) سکونت دارند. در ساحل ایران عشایر عرب و قشقائی که ساکن تپه ها و کوهستانها هستند در فصل تابستان بنواحی سردسیر و در موقع زمستان بنقاط گرمسیر مهاجرت مینمایند ولی هیچوقت در جلگه ها سکونت اختیار نمیکنند.

احتمال کلی میرود که قدیمترین ملل تاریخی عالم مانند سومریها و عیلامیها و آشوریها و بابلیها و کلدانیها اول دفعه در آبهای خلیج فارس شروع بکشتی رانی کرده اند لیکن تاریخ و جغرافی صحیح این دریا تا قبل از مبدأ میلادی بطور جامع در دست نیست و آنچه راجع بدان میدانیم اشاراتیست که مورخین و جغرافیا نویسان یونانی و رومی - از قبیل «بطلمیوس» و «استرابون» و «پلینی» و دیگران - بطور اجمال در تألیفات خود کرده اند. مؤلفین مذکور در خصوص اقوام و نواحی مختلف عربستان بیشتر اشارات نموده اند تا در خصوص ساحل مقابل آن ولی با وجود این از روی نوشته های ایشان بخوبی استنباط میشود که اقوام ساکنه در سواحل ایران از همان ازمنه

اولیه آبهای خلیج را وسیله ارتباطات تجارتي و نظامی قرار داده بوده اند - در قرن هفتم قبل از میلاد سناخریب قوای بحری بزرگی تدارك کرده و از راه خلیج باقامتگاه اهالی کلد که بیلاذ عیلام گریخته بودند حمله برد و ایشانرا از آنجا منهزم و متواری ساخت . چند قرن بعد یعنی در اواسط مائه چهارم میلادی می بینیم که اعراب ساکن بحرین و نواحی مجاور آن مدتی بدست اندازی و تهاجم بسواحل ایران مشغول بوده اند تا آنکه شاپور بوسیله جهازات جنگی خود در خلیج فارس آنها را تعاقب و مغلوب نموده و مزاحمت ایشانرا از خاک ایران رفع کرد .

هر چند امروزه دلیل قطعی در دست نیست که درازمنه قدیم ارتباطات بحری خارج از حدود آبهای خلیج نیز وجود داشته است ولی احتمال کلی می رود که روابط تجارتي مابین نواحی خلیج فارس و هندوستان و شرق اقصی برقرار بوده است .

« نیارکوس » در سنه ۳۲۶ قبل از میلاد با امر اسکندر کبیر خلیج فارس را سیاحت کرد و بوسیله کشتی از رودخانه سند بشط فرات رفت و این مسافرت یکی از حوادث بسیار مهم و مؤثر در تاریخ بحریپیمائی بشمار می رود .

بعدها در قرن ششم میلادی انوشیروان بقصد تسخیر عربستان قوای بحری بزرگی در ابوله واقع در مصب فرات تجهیز کرده از رأس الحد (عمان) و سواحل جنوبی عربستان گذشته و بعدن رسید .

از آن تاریخ ببعدهم تمدنر جایرده تاریکی و ابهام از صحنه خلیج برداشته میشود و وعده کثیری از مورخین و جغرافیا نویسان ایرانی و عرب مابین قرون نهم و هفدهم اطلاعات جامعی در خصوص حوادث خلیج و عملیات ساکنین آن بدست میدهند . تألیفات نویسندگان مذکور در ابتدا غیر از ترجمه کتب جغرافی قدیم چیز دیگری نبود لیکن بمرور ایام که سیاحین عرب و ایرانی شروع بسیاحت آسیای جنوبی و مرکزی و افریقای شمالی و نواحی اطراف مدیترانه کردند تألیفات مذکور تکمیل گردیده و هر کدام شامل اطلاعات مفید و تازه ای شد که امروز مورد استفاده ما میباشد .

ارتباط و مراوده اعراب و مسلمین با چین در اواخر قرن نهم باوج ترقی رسیده بود . در قرن دوازدهم شهر صیراف با « قصور و مساجد عالیه خود » اهمیت و اعتبار

یافته و در قرن سیزدهم مهمترین مرکز تجارتی ایران گردیده بود. بعد از آن جزیره کیش رو به توسعه و ترقی رفته دارای اهمیت تجارتی شد و باین حال باقی بود تا اوایل قرن چهاردهم که جزیره هرگز جانشین آن گردید و بزرگترین مرکز تجارتی فارس شد. در خلال این اوقات کم کم باب تجارت با مغرب نیز مفتوح گردید. ازین ممالک اروپائی که در اوایل قرن پانزدهم با مشرق زمین شروع بتجارت کرده بودند از همه مهمتر ایالات «ونیز» و «ژنوا» بودند که تجارت بسیار وسیعی با مشرق داشتند. بعدها وقتی تفوق تجارتی این دوشهر از میان رفت ملل اروپائی در صدیدها کردن راه جدیدی برآمدند که بدون مزاحمت عثمانیها و امرای مملوک مصر از ثروت بی حساب هند استفاده حاصل کنند و در این زمینه پرتغالیها بیش از سایرین بذل مجاهدت نمودند.

از بعد از اکتشاف دماغه امید واری توسط واسکو دگاما در سنه ۱۴۹۸ خلیج فارس وارد مرحله جدیدی در تاریخ تجارت عالم گردید و اول ملت اروپائی که بدان دریا آمد و متصرفاتی برای خود در آنجا ایجاد کرد پرتغالیها بودند. «البوکرک» ابتدا جزیره هرگز را بتصرف خود درآورد و بعد بر عده از بلاد ساحلی عمان دست یافت و تسلط و حکمرانی خویش را بر آبهای خلیج مستقر نمود. پرتغالیها بعد از مجادلات و کشمکشهای طولانی با سایر ملل بالاخره در سنه ۱۶۲۲ از هرگز اخراج گردیدند.

مقارن همین اوقات کمپانی هند شرقی تشکیل شده بنحیال تجارت با ایران افتاد و با وجود مخالفتهای شدید پرتغالیها موفق گردید که تجارتخانه ای برای خود در جاسک تأسیس نماید. ایرانیها به تحریک و تقویت عمال کمپانی جزیره هرگز را از تصرف پرتغالیها خارج ساختند و در اثر همین اقدام بود که اساس و شالوده تفوق تجارتی و نفوذ سیاسی انگلیس در نواحی خلیج ریخته شد. عمال و مأمورین کمپانی هند شرقی پس از استقرار نفوذ و تسلط خود در خلیج عوفی با اجرای سه اقدام مهم شدند که نتایج آن برای عالم انسانیت حائز کمال اهمیت بود: اول دزدی دریائی را از آبهای خلیج برانداخته و اشیان دزدان را در آنجا بهم زدند. دوم از زرد خورد و مجادلات مشایخ عرب و خونریزیهای دائمی ایشان جلوگیری کردند. سوم تجارت برده را ملغی و ممنوع ساختند.

علاوه بر این سه اقدام بسیار مهم امروزه هر گونه علائم و آثار دیگری هم از تمدن

وامنیت و اسایش در آبهای خلیج مشاهده میشود همه در اثر جدیت و فداکاری سربازان و ملاحان و مأمورین سیاسی انگلیس بوجود آمده است و انتظامات کنونی آنجا را کلیتاً باید مرهون مساعی و مجاهدات دولت انگلیس و حکومت هندوستان دانست.

در عین حال یکنفر مورخ غیر مغرض و بیطرف مجبور است باین نکته اعتراف کند که هر چند انگلیسها در دوره نفوذ و تسلط خود بر خلیج آسایش و انتظام را برقرار ساخته و برای حفظ منافع خویش مراقبت کامل در نقشه برداری و تعیین اعماق دریا و احداث مناره‌های راهنما بعمل آورده و خطوط تلگرافی و روابط بی‌سیم در آنجا برقرار ساخته‌اند معذک در هیچ‌جا غیر از آبادان و مراکز فقط خیز مربوط بخود بتأسیس مدارس و مؤسسات تربیتی مبادرت نکرده و اقدامی بعمل نیاورده اند که صنایع بومی را ترقی و توسعه دهند و مردم آن‌سامان را برای زندگی در دنیای امروزی آماده و مجهز سازند، مؤسسات صحتی ایشان در کلیه نواحی خلیج منحصر به چند دواخانه ناقص است که چندان مک و مساعدتی بحال اهالی نمیکند، سواحل وسیعۀ عمان و عربستان هنوز مساحی و نقشه برداری نشده، راجع بحیوانات بری و بحری و نباتات خلیج و کیفیات طبقات الارضی آنجا هیچگونه مطالعات منظم علمی بعمل نیامده است، هنوز صخره‌های مجهولی در آبهای خلیج وجود دارد که کسی آنها را روی نقشه ترسیم نکرده و باینجهت جهازات تجارتنی اغلب با آنها تصادم میکنند و آسیب می‌بینند. دولت انگلیس برای جلوگیری از تجارت اسلحه بیهوده مانند آب پول خرج کرده است ولی از صرف مبالغ قلیلی که بجهت اینگونه مقاصد لازم بوده است خودداری و مضایقه کرده است. اینها مسائل مهمی است که اولیای دولت بایستی متوجه آنها بوده و برای حفظ شرافت و حیثیات بریطانیای کبیر در قرن بیستم بتلافی و تدارک آنها بپردازند.

حق تجارت انحصاری کمپانی هند شرقی در سال ۱۸۱۳ ملغی گردید و بتدریج بر اثر پیش آمدهای سیاسی اروپا لازم شد که زمام امور خلیج از دست امنای کمپانی و حکومت بمبی خارج و بعهدۀ حکومت کل هندوستان واگذار شود. در اواخر قرن نوزدهم مجدداً دولت انگلیس در خلیج فارس رقیب های تازه پیدا کرد و بعضی از دول اروپائی بخيال افتادند که متصرفاتی برای خویش در آنجا احداث نمایند. فرانسویها که

از دیرزمان در مسقط نفوذی بهمرسانیده و موقع خود را در آنجا هم‌دوش موقع انگلیس میدانستند در سنه ۱۸۹۵ بصدد افتادند که مرکز ذغالی برای خویش در خلیج احداث کنند ، روسها بقصد بسط دائره نفوذ و تجارت خویش هیئت های متعدد بنواحی خلیج اعزام داشتند که « بندری در دریای گرم » برای خود ایجاد نمایند و باین قصد نیز سالیانه مبلغ هنگفتی بسرویس کشتی رانی بحر اسود مکم خرج میدادند . عثمانی بر قسمتی از نواحی غربی خلیج تسلط یافته و نسبت بایالات حسا و بحرین و حتی عمان و کویت دعوی مالکیت و قیمومیت میکرد . دولت آلمان نیز در تعقیب سیاست مشرقی خود و بخمال تأسیس خط ارتباط مابین هامبورگ و خلیج فارس همه نوع سعی و مجاهدت بعمل میآورد که بعناوین تجارتی متصرفاتی برای خویش در خلیج احداث نماید و ضمناً عثمانی جوان و ایران جوان را آلت اجرای این مقصود ساخته بود .

اما ظهور جنگ بین المللی اوضاع خلیج را نیز مانند اوضاع اروپا دگرگون ساخت و پس از انعقاد معاهده صلح و رق بنفع کامل انگلیسها برگشت و موقع آن دولت در مشرق از سابق هم محکم تر گردید : روسیه موقتاً از میدان کشمکش و رقابت بیرون رفت . دست عثمانی الی الابد از ابهای خلیج کوتاه شد . آلمان در اثر مغلوبیت خود چنان لطمه و آسیب دید که در عرض قرن حاضر مشکل میتوانست دوباره قد علم نماید . فرانسویها که تا قبل از ۱۹۱۴ در مسقط و نقاط دیگر خلیج با انگلیسها رقابت و دشمنی میکردند در موقع جنگ با آنها متحد و دوست شدند و دوش بدوش ایشان در میدان می‌جنگیدند . ابن سعود جیره خوار و دست نشانده انگلیسها کلیه رقباى خود را معدوم ساخته و منافع انگلیس را در عربستان مرکزی حفظ میکرد . امارت نشین های بحری عرب عموماً در اثر جنگ دولتمند و متمول شده و باینجهت نفع خود را در اتحاد و تشریک مساعی با انگلیس میدیدند . قوای نظامی انگلیس موقتاً تمام بنادر ایران را بتصرف خود در آورده و پلیس جنوب در تحت ریاست صاحبمنصان انگلیسی دشمنان دولت انگلیس را که در عین حال دشمنان مشترك ایران هم بودند در کرمان و شیراز و سایر شهرها شکست فاحش دادند . از آن تاریخ ببعده نیز با وجود پیش آمدن بعضی انقلابات و نهضت های استقلال طلبی در نواحی مختلف خلیج معذک باساس تسلط و اقتدار انگلیس در آن دریالطمه ای وارد نیامده و نفوذ و قدرت آن دولت در آنجا همچنان باقیست .

انسان اولیه در خلیج فارس و عمان

قطعات زمین افریقای شمالی و عربستان و ایران در عصر طبقات الارضی « میوسن » بشکل کنونی خود در آمده اند ولی در آن عصر بحر احمر از جهت طول بادریای مدیترانه متصل بوده است .

در اوایل عصر « پلیوسن » که بر حسب تخمین در حدود پانصد هزار سال پیش از این میشود بحر احمر از مدیترانه جدا شده و آبهای اقیانوس هند داخل آن گردید و تا اواسط عصر مذکور دریای مدیترانه هنوز تادشت « پالمیر » امتداد داشت . در ابتدای عصر « میوسن » دریای مدیترانه تمام نواحی کوهستانی کردستان و جنوب ایران را فرا گرفته بوده است بعد از آن آب شروع بعقب نشینی کرده و مقدار زیادی نمک و شوره در مردابهای بزرگ باقی ماند . در اواسط عصر « میوسن » دریا مجدداً پیش آمده و قسمت اعظم نواحی سابق را فرا گرفت لیکن در اواخر همین عصر ارتباط بین مدیترانه و اقیانوس هند بالاخره قطع گردید . در اوایل عصر « پلیوسن » خلیج فارس منحصر بزبانۀ باریکی در کنار دشت های ساحلی ایران بود که فقط تالرستان امتداد مییافت .

حرکات شدید ارضی که باعث تشکیل رشته جبال « زاگرس » گردیده در عصر « پلیوسن » اتفاق افتاده است و فشار های آن از طرف شمال شرقی وارد آمده و بالنتیجه منطقه دریایچه های بختیاری بسمت جنوبی غربی تغییر مکان داده است . در اثر این تغییرات خلیج فارس کنونی و اراضی فرورفته وسیع بین النهرین ایجاد گردیده است . بر عکس خاك عربستان قطعه زمین سخت و صلبی بوده که حرکات و فشار های وارده از جانب منطقه ایران بهیچوجه تأثیری در آن نکرده است . فقط عمان از این قاعده مستثنی گردیده و در تشکیل و ساختمان عربستان قطعه جداگانه محسوب

شده است باینمعنی که در اواسط دوره « کرتاسیوس » فشار های سخت دیده و بعد ها نیز بر ارتفاع آن افزوده شده است .

فشار های عظیمی که در اثر تشکیل کوهها ایجاد گردیده تأثیرات شدیدی هم در نواحی خلیج فارس داشته است . در دوره « کامبریان » يك طبقه ضخیم نمك ایجاد شده که بعدها متحجر گردیده و در طول اعصار بعد هم باقی مانده است . نمك نیز حال ینخ را دارد و در زیر فشار نرم و متحرك میشود . باینجهت فشار تشکیل کوهها نمکهای مذکور را از اعماق زمین بیرون آورده و بشکل قطعات استوانه که از چهار تاشش میل قطر آنست در زمین ظاهر ساخته است . جزایر هرمز و هنگام ولارک و ابوموسی و بسیاری از جزایر دیگر همه از این قبیل برآمدگیهای نمکی هستند و در سطح زمین نیز کوه هایی تشکیل داده اند که تا چهار هزار پا ارتفاع دارند مانند کوه نمك دشتستان و لارستان . صخره های آتش فشانی و سنگهای آهن و مس و غیره که بومی این قطعه از خاک ایران نیست نمونه ایست از مواد طبقات تحتانی که با نمك بسطح علیای زمین رسیده اند .

درحینى که این حوادث در جنوب غربی ایران اتفاق میافتاد آتش فشانهای عظیمی نیز در مرکز ایران و در عربستان حادث می گردید . در طول تمام دوره « پلیستوسن » (۱) و شاید درازمنه تاریخی هم از دمشق تا مکه انفجارهای شدیدی بوقوع پیوسته است چنانکه امروزه هم بقایا و آثاری از سعیر آتش فشان در این منطقه دیده میشود و اعراب آنرا بنام « حاره » (۲) مینامند .

اگر انسان اولیه در نواحی خلیج فارس وجود داشته آثار او حتماً بایستی در زیر

(۱) Neolithic و Pliocene ، Cambrian ، Cretaceous اسامی اعصار طبقات الاضی است .

(۲) قصه خرابی شهر سدوم و « گوموره » محتمل است اشاره یکی از انفجارات نواحی بحرالمیت باشد که بواسطه خروج زبانه های نطف و گاز تولید احتراقات شدید نموده و اهالی آنحدود را بقتل رسانده است . جبل السدوم که محل شهر قدیم سدوم است تپه نمکی است که از حیث ساختمان طبقات الارضی شباهت تام با جزایر نمکی خلیج فارس دارد .

طبقات شن ولای مدفون شده باشد زیرا در این نواحی هیچگونه اثری از انسان تا قبل از عصر «نئولیتیک» (۱) یافت نمی شود. اما احتمال می رود که آثار مذکور بعدها کشف گردد چنانکه در ایران و عربستان فعلاً اشیاء و آثاری پیدا شده است که مربوط به عصر دویم یاسوم یخ میباشد (یعنی مابین چهار صد هزار و صد هزار سال قبل از میلاد). هنوز دلیل مقنعی در دست نیست که انسان عصر «نئولیتیک» در کلمه یا شوش وجود داشته است زیرا اشیاء سنگی صاف و صیقلی که در شوش و بوشهر پیدا شده حتماً متعلق بادوار بعد می باشد.

اما ممکن است که در سواحل اقیانوس هند و در امتداد آن اصلاً دوره حجری وجود نداشته است چنانکه بعضی از نویسندگان معتقدند که يك عصر چوب یا عصر صدف قبل از دوره اول حجری وجود داشته است. بنابراین انسان اولیه در اینجا صدفهای تیز و چوبهای سخت را برای رفع حوائج خویش بکار می برده و اشیائی که از این مواد ساخته شده است تا از منتهی اخیر تاریخی هم بکار میرفته زیرا وقتی «نیارکوس» در سنه ۲۲۵ قبل از میلاد در خلیج فارس سیاحت می نمود قبایلی که در سواحل بلوچستان باو برخوردند نه اشیاء آهنی داشتند و نه پوشاکی غیر از پوست حیوانات.

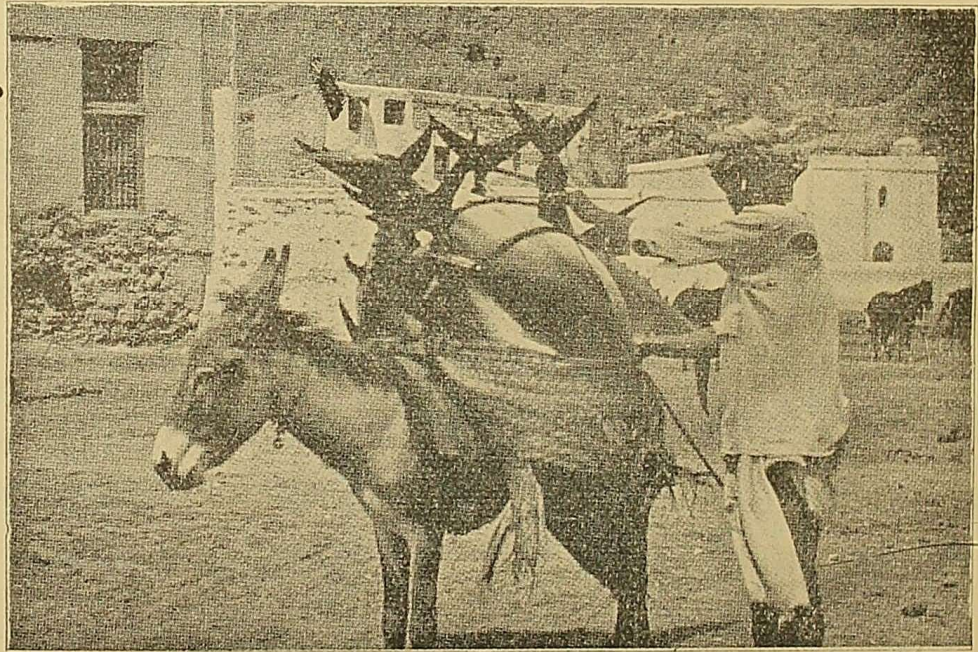
«آریان» درباره طوایفی که مابین کراچی و «اورمارای» امروزی اقامت داشته اند چنین می نویسد «این طوایف دارای نیزه هائی هستند بطول شش ذراع که نوک آن بجای آهن عبارت از چوب تیزی می باشد که در آتش سخت و صلب شده است... آهن در میان ایشان یافت نمی شود و لباس آنها منحصر به پوست حیوانات و ماهی های بزرگ است... افرادی که از این قبایل اسیر شده بودند تمام بدنشان مانند سرشان مو داشت و ناخن های ایشان از بلندی شبیه به پنجه حیوانات وحشی بود».

این توصیف تصویر جامع و کاملی است از طریقه زندگانی انسان اولیه در این صفحات که هنوز هم برخی از آثار آن تا با امروز محفوظ مانده است. زورقهای ماهیگیری بدوی که هنوز هم استعمال می شود بدون شك یادگار ادوار بسیار قدیمه است. اهالی جزیره «سوکوترا» که در فصل صیادی بمسقط می آیند یکقسم قایق دارند که خودشان آنرا «راماس» مینامند و عبارت از سه تنه درخت است بطول شش پا که با

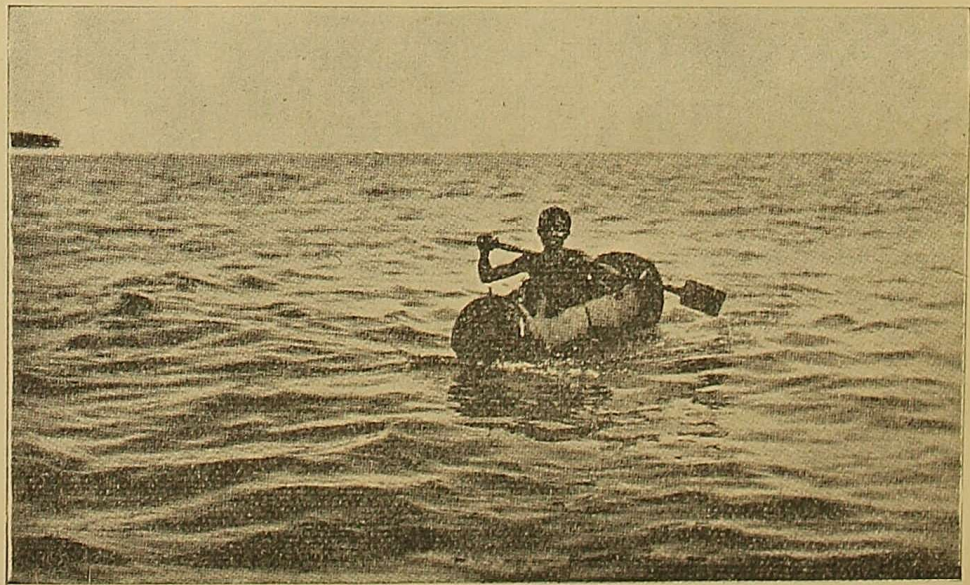
الیاف نباتی انها را بهم بسته و قطعۀ وسطی از سایرین طویلتر است .
«شاشه» هم که در ساحل « باتینا » استعمال میشود بسیار جالب توجه میباشد
و عبارت است از عدۀ چوب خرما که آنها را پهلوی یکدیگر بسته و روی آنها با پوست
نخل و الیاف درخت نارگیل می پوشند . این قایقها بطول دوازده پا هستند و فقط یک
یادونفر در روی آن می نشینند و تا نیمه بدن آنها هم در آب فرو می رود . حرکت این
قایقها خیلی سریع است و برای صیادی و مراوده با کشتی های بومی که در ساحل لنگر
انداخته اند بکار می رود . «هوری» نیز که عبارت از یک تنه درخت میان تهی و مجوف
است زیاد استعمال می گردد .

رو بهمرفته عمان و تمام خلیج فارس زمینه بکر و مناسبی است برای تحقیق و
مطالعه درباره انسان نخستین زیرا سه نژاد اولیه انسان که عبارتند از نژاد « دراویدیان » (۱)
و افریقائی یا «هامی» و «مغولی» ابتدا در سواحل خلیج فارس با هم تلاقی کرده اند .
میتوان گفت که قبایل ساکنه مابین کراچی و «اورمورا» که «اریان» هم اشاره بانها
کرده است از نژاد «دراویدیان» و منسوب به هندوستان بوده اند . از نژاد «هامی» هنوز
بقایائی در سواحل عمان باقی است و طایفه «شیهوب» که قبیلۀ کوچکی از نژاد اسودند
و تاریخ آنها اقدم بر نژاد سامی عربستانی می باشد هنوز در غار های دماغه «موساندام»
زندگانی می کنند .

نژاد های مذکور همگی از اصل افریقائی بوده اند ولی در موقعی که شعبه
«دراویدیان» در مکران اقامت جسته و «هامی» ها در سواحل عمان پراکنده شدند
مشخصات و خصوصیات نژادی هر یک جداگانه تکامل یافته و هر کدام از آنها نژادی
علیحده گردیدند . مثلاً «دراویدیان» های مکران موی بدن را که از اختصاصات نژاد
اسود بوده (زیرا «آریان» مخصوصاً متذکر می شود که بدن آنها پراز مو بوده است) از
دست می دهند و «هامی» ها در عمان پاره از خصوصیات خود را از قبیل مجعد بودن
زلف و کلفتی لب حفظ میکنند . نژاد مغولی خیلی بعد از سایرین باین صفحات وارد



آ. صید صبح (مسقط)



ب - مسقط - طفل عرب در قایق موسوم به هوری

شده است و اصل آنها در آسیای مرکزی بوده و ظاهراً تا دوره بعد از عصر یخ بطور انزوا در مسقط الرأس خویش زیست می کرده اند. وقتی نژاد مذکور وارد این نواحی گردید دارای تشکیلات قومی و مزایای عقلی بود و ورود آن معاصر گردیده است با ابتدای تمدن در بین النهرین (هرچند برخی از محققین معتقدند که قبل از ورود آنها يك تمدن سامی در آنجا وجود داشته است).

با آنکه پاره آثار از شعبه «دراویدیان» هنوز در ساحل مکران یافت می شود معذک نژاد مذکور پس از ورود مهاجمین بلوچ منقرض گردیده است. همچنین شعبه «هامی» نیز بعد از آمدن سامی ها که اولاد «جغتان» هستند و بقول توراة منزل ایشان از «مشا» تا کوه «سفار» در مشرق بوده است از میان رفته اند. اقوام سامی مردمانی چوپان بوده و گله های بز و شتر و الاغ که همه بومی عربستان است داشته اند و بعدها گوسفند و اسب را هم از صفحات شمالی تحصیل کرده اند. زبان این اقوام ساختمان خاصی داشته است که السنه «هامی» نیز تا اندازه شبيه بآن می باشد و هیئت ظاهری و ساختمان مزاجی آنها هم با سایر نژادها اختلافات اساسی داشته است.

قبل از اینکه این مبحث را خاتمه داده و وارد ازمنه اولیه تاریخی شویم لازم است اشاره ایهم در خصوص تغییرات آب و هوا بنمائیم زیرا چنانکه قبلاً تذکار داده شد آب و هوا عامل قوی و مؤثر تکامل و حرکت نژاد های بشری بوده است.

محققین اخیر بعوامل جغرافیائی از قبیل توزیع آب و زمین و پستی و بلندی اراضی و کثرت و قلت بارندگی بیشتر اهمیت می گذارند تا بعوامل نجومی و هیئتی مانند میلان محور زمین و اختلافات فصول که سابقاً بین محققین اهمیت و اعتبار داشت. در هر صورت این نکته بیقین پیوسته است که سخت ترین دوره های یخ بندی و انجماد مقارن با اعصاری بوده است که زمین در آب فرو رفته بوده و هر قدر زمین بیشتر ظاهر گردیده و هوای اقلیمی خشک تر شده است ذوب یخها و عقب نشینی آنها بیشتر شده است زیرا هوای خشک هر قدر هم که سرد باشد برف و بارندگی که دارد.

تمام نواحی مجاور خلیج فارس در عصر یخ مسکون بوده است و اشیاء سنگی « شلیان » در ایران و عربستان و در میان شن های سواحل بحر خزر که استخوان ماموت هم در جزو آنها بوده است یافت شده و این خود بخوبی ثابت می کند که نواحی مذکور محل اقامت و سکنای انسان بوده .

ذوب یخها در این صفحات موجب خرابی های عمده گردیده است و در اقصای جنوب همینکه حدت سرما بر طرف گشت یخها بسرعت آب شده تولید سیل های شدید کرد و بالنتیجه اراضی عربستان در طول چندین خط عمیق شسته شده و خاک ولای آن در اطراف پراکنده گردید چنانکه بستر های شن « زبیر » نمونه از آن می باشد . از قلل جبال « زاگرس » نیز سیل های شدید سر از بر شده و مقادیر هنگفتی شن و سنگ با خود پائین آورده است که در اثر آن رشته تپه های ممتدی در دامنه جبال زاگرس از خنقین تا حوالی برازجان تشکیل شده است . هنوز هم سیلاب های کوه های مزبور جاری است منتها گل ولای آن که ته نشین می شود کمتر و نرم تر است (۱) .

در اواخر دوره « پلوویال » (۲) که تقریباً هفت هزار سال قبل از این می شود اقوامی که ظاهراً در آسیای مرکزی سکونت داشته و دارای سر های طویل بوده اند بفلات ایران و اراضی بین النهرین و سواحل خلیج فارس مهاجرت کرده اند .

بطوریکه از آثار باقیمانده ایشان مانند ظروف گلی و اسلحه و طریقه زندگانی آنها استنباط می شود تمدن مادی ایشان خیلی قدیمتر از آثار و بقایای دیگر است که در این نقاط پیدا شده . با ورود اقوام مذکور تاریخ مکتوب این نواحی شروع میشود و ما امروز نمی دانیم که قبل از آنها اقوام دیگری نیز در این سامان بوده اند و پس از

(۱) بطوریکه تخمین زده اند تنها رود کارون سالانه معادل ۱۸۰۰۰۰۰ تون گل ولای با خود حمل میکند و سایر رودخانه هاییکه از جبال زاگرس سرچشمه میگیرند دو برابر این مقدار خاک زمین را میشوند . دجله و فرات هم سالی ۴۵۰۰۰۰۰۰ تون مواد رسوبی حمل میکنند ولی از مجموع این منابع غیر از ۲ میلیون تون وارد شط العرب نمیشود ، سیل شدید اوایل سال ۱۹۲۴ سه ربع جلگه های جنوبی اهواز را فرا گرفت و خسارات مالی و جانی زیاد وارد آورد .

(۲) دوره پلوویال Plouvia یکی از اعصار اخیر طبقات الارضی است .

ورود مهاجرین جدید از جای خود نقل مکان کرده و یا با آنها در آمیخته و اختلاط نموده اند یا نه . ولی ظاهراً اقوام مذکور اطلاعی از کاشتن نخل نداشته اند و چون این درخت پرثمر که از عوامل تمدن انسان اولیه بوده است و پروراندن آن اطلاع و بصیرت کامل می خواهد صورت آن بر روی کتیبه های قدیمی منقوش است لهدامی توان اینطور نتیجه گرفت که ساکنین اولیه این نواحی مردمانی بوده اند که از زراعت نخل و کود دادن زمین سررشته داشته اند . درخت خرما چنانکه «ویلوك» متذکر گردیده است همان «درخت حیات است» که ذکر آن در توراة آمده و این درخت مفید یکی از مهمترین عوامل زندگانی انسان اولیه در این دوره و در اعصار بعدی آن بشمار می آید .

